

دادگاه چین قضاوت می کند؛

کانادایی متهم به قاچاق مواد

مریم علامه زاده

بر اساس اعلام یک پایگاه اینترنتی دولتی چین، یک شهروند کانادایی قرار است امروز (هشتم دی ماه) در دادگاه شمال شرقی چین حضور پیدا کند؛ این دادگاه در حالی برگزار می شود که روابط پکن - اوآوا در شرایط بحرانی قرار دارد.

دادگاه عالی مردم پالست لیاونینگ چین نام این مرد را رابرت لیوید شلنبرگ عنوان کرده است.

در بیانیه مختصری که روز چهارشنبه (پنجم دی ماه) منتشر شد، دادگاه دولتی عنوان کرد این فرد به اتهام قاچاق مواد مخدر ساعت ۱۴ به وقت محلی، ۶ صبح به ساعت جهانی، روز شنبه در دادگاه حاضر می شود؛ اما این بیانیه جزئیات بیشتری را ارائه نکرد.

بر اساس اعلام سایت runsky.com که یک پایگاه خبری دولتی است، شلنبرگ کانادایی مقادیر زیادی مواد را به این کشور قاچاق کرده است.

این پایگاه اینترنتی به تمسخر شهروند کانادایی را برای جرأت در قاچاق این میزان مواد به خاک چین تحسین کرده است. مجازات قاچاق مواد مخدر در داخل خاک چین همچنان مرگ است.

روزنامه گلوبال تایمز نزدیک به مقامات چینی، عنوان کرده است بر اساس قانون چین جریمه برای قاچاق یا تولید حداقل یک کیلو تریاک، ۵۰ گرم هروئین یا متیلانلین ۱۵ سال زندان یا در شدیدترین حالت مرگ است.

این روزنامه اشاره کرد که در سال ۲۰۰۹ چین آمکال شیخ، شهروند بریتانیایی که متهم به قاچاق چهار کیلوگرم هروئین بود را اعدام کرد. روبرت واکر، سخن گوی وزارت امور خارجه کانادا در بیانیه ای عنوان کرد که این وزارت خانه برای چندین سال مشاوره کنسولی برای این شهروند کانادا ارائه کرده است؛ کسی که اولین بار در ایالت لیاونینگ چین بازداشت شد.

وی گفت: خدمات کنسولی برای او و خانواده وی همچنان ادامه دارد.



روابط بین پکن و اوآوا پس از آنکه چین دو شهروند کانادایی را بازداشت کرد، تیره و تار شده است. این دو شهروند مایکل کوریگ دیپلمات سابق کانادایی و مایکل اسپاور تاجر ساکن چین هستند. این دو فرد متهم به فعالیت هایی هستند که حاکمیت چین را زیر سوال می برد.

کوریگ مشاور ارشد شرکت مشاوره ای گروه بحران بین الملل است و اسپاور سفر افراد را به کره شمالی تسهیل می کند؛ او عامل سفر دنیس رودمن، ستاره بسکتبال به کره شمالی بود.

به نظر می رسد این بازداشت ها در واکنش به بازداشت منگ وانژو، مدیر ارشد در شرکت غول ارتباطاتی هوآوی، در کانادا باشد که در تاریخ اول

دسامبر (دهم آذر ماه) انجام شده باشد؛ هر چند که هیچ ارتباطی به طور رسمی در این باره ابراز نشده است. بازداشت منگ به درخواست آمریکا صورت گرفته است و آمریکا او را متهم به نقض

تحریم های این کشور علیه ایران می داند. یک زن کانادایی با نام سارا مک ایور، نیز در بازداشت چین به سر می برد تا به اتهام کار غیرقانونی در چین به کانادا بازفرستاده شود. تنش های سیاسی و اقتصادی کانادا و چین در چند سال گذشته شدت گرفته است. گفته می شود که

منگ وانژو که دختر بنیانگذار شرکت هوآوی نیز به شمار می رود، پیش از بازداشت تحت نظارت شدید دولت کانادا قرار داشته است. پیش از بازداشت وی قرار بود برای انجام یک مذاکره جدی با شرکت کانادایی برای فروش

تجهیزات این شرکت به کانادا جلسه ای داشته باشد و می توان این بازداشت را برای فسخ چنین قراردادی مهم ارزیابی کرد.

فروش تجهیزات شرکت هوآوی به بسیاری از کشورهای متنوع است؛ بارها مسئله جاسوسی این شرکت برای دولت چین عنوان شده و اسنادی نیز در این رابطه پیدا شده است.

هر چند که چنین اتهاماتی هیچ وقت در دادگاه اثبات نشد.

پوتین و ترامپ از برگزیت خرسند هستند؛

نقشه مرگ اروپا



سیدمحمد میرزامحمدزاده

یکی از نکات کلیدی استعفا نامه ماتیس به اهمیت احترام ایالات متحده به متحدانش اشاره داشت. در واقع این نامه بر نکته ای تأکید کرد که اتحادیه اروپا از زمان انتخاب دونالد ترامپ از آن می ترسید، اما از تمرکز بر آن طفره می رفت؛ بی توجهی آشکار این رهبر آمریکایی به اتحادیه های پس از جنگ جهانی؛ و اکنون آمریکایی جدا شده از اروپا به یک واقعیت بدل شده است.

اما چیزی فرای این موضوع کلمات کسینجر را تکان دهنده می کند: این حقیقت که تصمیم ماتیس بعد از اعلام ناگهانی ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از سوریه صورت گرفت. سیاست های اتحادیه با بحران پناهندگان سال ۲۰۱۵ زیر و رو شد، بحرانی که بیشتر آن از جنگ داخلی سوریه ناشی شد. خشونت ناگفته از تقابل فشار اسد و شورشیان که صدها هزار نفر از جمعیت کشور را از بین برد و میلیون ها نفر را آواره جاده ها کرد و رادیکالیسم را در منطقه تشدید کرد.

حالا فارغ از اینکه چقدر آمریکا از مسائل سوریه نجات پیدا می کند میدان برای اسد، داعش، ترکیه ایران و روسیه خالی مانده است. این خبر خوبی برای سوری ها و اروپایی هایی که در ورودی خاورمیانه سکونت دارند، نیست. همان طور که کسینجر نوشت، اروپا بدون آمریکا، می تواند به شریان فراخ تری در معرض خاورمیانه

قرار گیرد. با فرض اینکه تروریسم همچنان تهدید در اروپا به شمار می رود، نادیده انگاشتن اینکه سوریه چطور می تواند اروپا را تحت تأثیر قرار دهد، سخت است. شیخ شوم از چند منظر بر اروپا سایه افکنده است: شبکه ترامپ برگزیت پوتین شکل گرفته است. همچنان که به روزهای پایانی برگزیت نزدیک می شویم، همه چیز بدین به نظر می رسد؛ اما تعلیق برگزیت می تواند خیلی چیزها را تغییر دهد.

چیزی که سال ۲۰۱۸ را برای اروپا یک سال خطرناک کرده است، هم زمانی ترامپ، برگزیت و پوتین است؛ مشکل سه گانه ای برای کل قاره از جمله بریتانیا، که سر باز کرده است. به لطف ژورنالیسم تحقیقی و بررسی های رابرت مولر، حالا ما از مسائل بیشتری در مورد پشت پرده روابط آگاه هستیم. البته چیزهای بسیاری هم به وضوح آشکار هستند. دشمنی ترامپ با اتحادیه اروپا حالا به یک تهاجم سازمانمند بدل شده است.

در حالی که پوتین و ترامپ در ظاهر هر دو عنوان کرده اند که برگزیت را نمی خواهند.

رئیس جمهور آمریکا به صراحت از یک جدایی بدون توافق بریتانیا استقبال کرده است و هفته گذشته نیز پوتین عنوان کرد که تزامنی باید خواسته مردم را اجرا کند.

شاید انگیزه های این دو متفاوت باشد، اما هدف هر دو، با عنوان کاشت بذر جدایی، مشابه است.

سیاست های اتحادیه با بحران پناهندگان سال ۲۰۱۵: زبر و روش، بحرانی که بیشتر آن ناشی از جنگ داخلی سوریه شد. ++ خشونت ناگفته از تقابل فشار اسد و شورشیان که صدها هزار نفر از جمعیت کشور را از بین برد

ترامپ علاقه مند به انزوای بریتانیا و ایجاد اتحادیه ای محزون است، تا دیگر قوانین و استانداردهای تجاری بر دنیا اعمال نکنند؛ پوتین از طرف دیگر خواهان تضمین دستاوردهای ژئوپولیتیک روسیه در اروپا است تا دایره سلطه خود را گسترده تر کند و انتقام شکست در جنگ سرد را بگیرد.

ارتباط ایدئولوژیک ترامپ برگزیت و پوتین حالا به راحتی قابل شناسایی است: ناسیونالیسم بیگانه هراسی و ترویج دیدگاه تهدید اسلام برای تمدن مسیحیت، تلاش برای تثبیت حاکمیت و انحصاری کردن آن، هدف نهایی این اتصال است.

البته این تهدیدها الزاماً منسجم نیستند. چابولوسی های ترامپ در مورد دولت ناسیونالیست لهستان در تضاد با ژست دوستی او با پوتین است. ترس حزب حاکم لهستان از مقاصد افکار روسیه، با یک پایگاه نظامی ترامپ در منطقه برطرف می شود؛ شاید نامه ماتیس آن ها را در

این راه مردد کند. از طرفی طرفداران تندرو برگزیت بی توجه به نارو زدن ترامپ به متحدان هستند؛ برای آن ها بیشتر از آنکه تهدیدات خروج از اتحادیه ترسناک باشد، رژیم روس است که مأموران خود را برای مسموم کردن شهروند انگلیسی می فرستند.

ترامپ هیچ وقت به اتحادیه توجهی نداشته است مگر آنکه تجارت وی با قوانین اتحادیه در تضاد باشد؛ او حالا اولین رئیس جمهور آمریکاست که اتحادیه را نهادی می داند که ملتش باید آن را تضعیف کند.

طرفداران برگزیت رادیکال از همان آغاز اتحادیه در سال ۱۹۹۲ طرح های خود را ریخته بودند. پوتین سال ۲۰۰۱ زمانی که اولین بار به قدرت رسید، در ظاهر از اتحادیه حمایت کرد، آن زمان اقتصاد روسیه بسیار ضعیف بود. اما در سال ۲۰۱۳ به صراحت مقابل آن ایستاد و عنوان کرد که چشم داشت اتحادیه به او کراین، تهدیدی برای بلندپروازی های منطقه ای وی و برنداستیدارگرایی او است.

میزان تخریبی که اتصال ترامپ برگزیت پوتین می تواند ایجاد کند، ترسناک است. طرح اتحادیه هیچ وقت بدون مشارکت پس از جنگ آمریکا در قاره تصور نشده بود؛ چتر حمایتی آن به واسطه ناتو ضروری است و امروز اروپایی ها چیزی برای جایگزینی آن ندارند.

پوتین از این واقعیت مطلع است؛ رژیم او مناطقی را اشغال و به ضمیمه خود در آورده است و دائماً اطلاعات غلطی را به اشتراک می گذارد تا با بد زبانی و پوپولیسم را در دل راست و چپ اروپا بکارد. او یک فرصت طلب است که منتظر است ببیند، کسی می تواند روی گستاخی های ترامپ و همین طور تضعیف منافع آمریکا در اروپا که قبیل از ترامپ آغاز شده بود سرمایه گذاری کند.

برگزیت تاکنون بیشتر از آن که اتحادیه را تقسیم کند، متحد کرده است؛ از طرفی برگزیت یک طرح باخت باخت است که حالا به نظر می رسد خود بریتانیایی ها هم به آن پشت کرده اند. نه ترامپ و نه پوتین قرار نیست به این زودی ها کنار روند. برگزیت هم از سوی دیگر حالا یک چشم انداز موهوم به نظر می رسد.

کسینجر در کتاب خود نوشت: اروپا خود را معلق بین گذشته ای که دوست دارد در آن غلبه کند و

میزان تخریبی که اتصال

ترامپ برگزیت پوتین می تواند ایجاد کند، ترسناک است. طرح اتحادیه هیچ وقت بدون مشارکت پس از جنگ آمریکا در قاره تصور نشده بود؛ چتر حمایتی آن به واسطه ناتو ضروری است برای جایگزینی آن ندارند

آینده ای که هنوز مشخص نیست، معلق یافته است.

البته که اروپا شاید در این سردرگمی خود را پیش ببرد. در سفرهایی که اخیراً به چند کشور اروپایی داشتیم، اظهارات امیدوارکننده ای از کارشناسان و سیاسیون شنیدیم که اعتقاد داشتند پوپولیست های راست گرا نمی توانند کنترل پارلمان اروپا را در سال ۲۰۱۹ به دست بگیرند. شاید آن ها قدرت گرفته باشند، اما آن قدر متحد هستند که نمی توانند اکثریت پارلمان را در اختیار بگیرند.

اما بزرگ ترین امتیاز برای همه اروپاییان، چیزی که از هر جهت راحت تر می تواند محاسبات ترامپ و پوتین را برهم زند، عدم رویداد برگزیت است. این اتفاق می تواند فرضیه قاره در تصرف نیروهای خصمانه را تغییر دهد. در واقع معکوس کردن برگزیت می تواند بعد از چند دهه بحران برای اروپا، یک لحظه خوش باشد. اگر بریتانیا موضع خود را در ارتباط با برگزیت تغییر دهد و در باشگاه اتحادیه باقی بماند، در واقع هم خود و نیز اروپا را از غارت و پوچی نجات داده است.

اگر اروپا را بر اساس ذات دشمنانش مدنظر قرار دهید

چه دشمنان خود کامه یا رو به خود کامگی، پس به طور قطع لغو برگزیت معنای بیشتر از صرفاً امنیت دسترسی بریتانیا به بازارهای اروپا می دهد. ترامپ و پوتین حساب ویژه ای روی برگزیت برای تحقق دیدگاه های خود در مورد جهان باز کرده اند. برگزیت در واقع هسته و بخش اصلی طرح آن ها برای جهان به شمار می رود؛ حالا وقت آن است که آن ها را ناامید کنیم.



خروج از سوریه متحدان این کشور از جمله کردها به شدت نگران کرده است و حالا نظم جدیدی در منطقه در حال شکل گیری است. از طرفی اسرائیل که جای آمریکا در منطقه خالی دیده، عنوان کرده است که قصد دارد حملاتی علیه مواضع ایران در منطقه شکل دهد و این اعلام موضع روسیه را نگران کرده است. در همین حال پوتین به اسرائیل در ارتباط با انجام چنین اقداماتی هشدار داد.

واقع برای حفاظت از خود به سوریه و ارتش این کشور پناه آورده اند.

پیش تر در زمان حضور داعش در سوریه نیروهای کرد با همکاری ائتلاف به رهبری آمریکا در ماه اگوست سال ۲۰۱۶ میلادی (مرداد - شهریور ۹۵) داعش را از منطقه خارج کردند اما حاضر به همکاری با سوریه و زیر پرچم این کشور رفتن نشدند. گفته می شود تصمیم ناگهانی آمریکایی

ضمن صدور بیانیه ای با اعلام ورود ارتش به شهر منبج، پرچم رسمی کشور سوریه را بر فراز این شهر برافراشت و در همه میادین شهر نیز این پرچم به احتزاز در آمد و بر اساس بیانیه امنیت شهروندان شهر منبج بر عهده ارتش این کشور است.

به دنبال عقب نشینی نیروهای آمریکایی از سوریه و ایجاد فرصت مناسب، ارتش ترکیه با گسیل نیروهای خود به شمال سوریه اعلام کرد قصد دارد طی عملیاتی در شرق فرات به جنگ کردهایی برود که از دید دولت آنکارا عوامل بی نظمی در داخل ترکیه و تروریست

به شمار می روند. البته ترکیه اعلام کرده است این عملیات به منظور حمایت از دولت سوریه برای حفظ حاکمیت این کشور صورت می گیرد.

کردها نیز که قدرت تقابل نظامی با ارتش ترکیه را در خود نمی دیدند، با این اقدام در

ما اعلام عقب نشینی از منبج می کنیم و برای حضور در جبهه های جنگ با داعش و گروه های تروریستی دیگر حاضر در منطقه در شرق فرات ساکن می شویم؛ از همین روی از دولت سوریه که ما خود را به لحاظ ملی سرزمینی و همچنین مرزی متعلق به این خاک می دانیم، درخواست داریم نیروهای خود را برای کنترل شهر منبج و مناطق اطراف و حفاظت این شهر در برابر تهدیدات ترکیه به این منطقه در شمال کشور سوریه اعزام کنند.

بر همین اساس، ارتش سوریه نیز نیروهای خود را به این منطقه اعزام کرد که بر اساس گزارش، این نیروها شامل صدها سرباز، ادوات نظامی و خودروهای زرهی می شوند که پیش تر در نزدیکی این شهر استقرار داشتند و حالا به داخل شهر آمده اند. ارتش سوریه نیز در واکنش به این بیانیه

خبر

کردها ناگزیر به سمت اسد می روند؛

حمایت ارتش سوریه از کردها

سینا سبزیان

شبکه خبری روسیالیوم، اعلام کرده است که منابع سوری خبر داده اند که پرچم سوریه در میادین اصلی شهر منبج برافراشته شده است. بر اساس این خبر ورود ارتش سوریه به شهر منبج به خواست نیروهای کرد و با عقب نشینی کامل نیروهای کرد از این شهر صورت گرفته است.

بر اساس گزارش روسیالیوم، فرماندهی کل یگان های مدافع خلق کرد، در بیانیه ای که به این منظور منتشر کرده، گفته است: با توجه به تهدید دولت ترکیه و آمادگی ارتش این کشور برای حمله به مناطق شمالی و ترس از نابود شدن منطقه بیم آن می رود که مردم کرد منطقه وادار به مهاجرت شوند. همانطور که شاهد چنین اتفاقی در جرابلس اعزاز، الباب و عفرین بودیم. بر همین اساس